

تغییر تدریجی زبان در ارتباط دیجیتالی: بررسی تأثیر رسانه‌های اجتماعی، میم‌ها و ایموجی‌ها بر بیان و گفتمان زبانی

علی کریمی^۱

چکیده

این مطالعه به بررسی تأثیر شگرف سکوهاى ارتباط دیجیتالی - رسانه‌های اجتماعی، میم‌ها و ایموجی‌ها - بر بیان و گفتمان زبانی می‌پردازد. و با استفاده از یک رویکرد ترکیبی همگرا و موازی، تحلیل محتوای کیفی پست‌های رسانه‌های اجتماعی (تویتر، اینستاگرام، تیک‌تاک) و میم‌ها^۲ را با تحلیل کمی احساسات مربوط به استفاده از ایموجی‌ها تلفیق می‌کند. کنسرسیوم یونیکد بر اساس یافته‌ها، سکوهاى دیجیتال از طریق خلاقیت مشارکتی، تکامل زبانی را تسریع می‌کنند و جوامع حاشیه‌نشین را قادر می‌سازند تا نوآوری‌های واژگانی (مثلا «Yeet» و «No Cap») را به روش چندوجهی با ترکیب متن، تصاویر و ارجاعات فرهنگی، پرورش دهند(سلفا ساستر و همکاران^۳، ۲۰۲۲). میم‌ها به عنوان مصنوعات پویا برای تفسیرهای سیاسی-اجتماعی

^۱ دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان فرانسه، دانشگاه تربیت مدرس alikarimifrance@gmail.com

^۲Reddit, Imgur

^۳ Selfa-Sastre

ظاهر می‌شوند، با الگوهای ویروسی مانند #جان_سیاه‌پوستان_مهم_است که روایت‌های پیچیده را در قالب‌های قابل اشتراک‌گذاری خلاصه می‌کنند، در حالی که ایموژی‌ها به عنوان ابزارهای فرا زبانی عمل می‌کنند که ابهام متنی را کاهش می‌دهند، اگرچه تفسیر آنها در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است (به عنوان مثال، 😊 در مقابل 😞 در بافت‌های غربی و فارسی). این مطالعه با نشان دادن اینکه چگونه ارتباطات دیجیتال، هنجارهای سیال و مبتنی بر کاربرد را بر سیستم‌های دستوری سفت و سخت ترجیح می‌دهد، نظریه‌های ساختارگرایانه ثبات زبانی را به چالش می‌کشد. اچیسون^۱ (۲۰۰۱) همچنین دموکراتیزه شدن مرجعیت زبانی را برجسته می‌کند، جایی که کاربران - نه نهادها - گفتمان را شکل می‌دهند، علیرغم خطرات تصاحب فرهنگی و رقیق‌سازی معنایی. پیامدهای آن برای آموزش شامل ادغام زبان‌های بومی دیجیتال در برنامه‌های یادگیری زبان و سواد رسانه‌ای برای پرداختن به چالش‌های اخلاقی و تفسیری است. محدودیت‌ها، مانند اتکا به داده‌های عمومی و حذف زبان‌های کمتر مطالعه شده، نیاز به تحقیقات طولی و فراگیر در مقیاس جهانی را برجسته می‌کند. این مقاله با ترکیب دیدگاه‌های زبانی، اجتماعی-فرهنگی و فناوری، چارچوب‌های میان‌رشته‌ای را برای درک تغییر زبان در جهانی که به طور فزاینده‌ای دیجیتالی می‌شود، پیشنهاد می‌دهد.

واژگان کلیدی: تغییر زبان - سکوهای اجتماعی - ایموژی‌ها - گفتمان زبانی

¹ Aitchison

رشد سریع سکوهای ارتباط دیجیتالی در طول دو دهه گذشته، چشم انداز زبانی را اساساً متحول کرده و شیوه های جدیدی از تعامل را معرفی کرده است که از مرزهای سنتی زمان، مکان و رسمیت فراتر می رود. سکوهای رسانه های اجتماعی مانند تویتر، اینستاگرام و تیک تاک، ارتباطات بصری فشرده را که در آن اختصار و بی واسطگی اغلب جایگزین پیچیدگی دستوری می شود، عادی سازی کرده اند (کتابخانه های دانشگاه ایالتی پن، ۲۰۲۴). در عین حال، میم ها - آثار طنزآمیز و اغلب چندوجهی که متن، تصاویر و ارجاعات فرهنگی را با هم ترکیب می کنند - به ابزاری برای داستان سرایی جمعی، تفسیر سیاسی و نمایش هویت تبدیل شده اند. شیفمن^۱ (۲۰۱۴). ایموجی ها که اکنون تقریباً در ۸۰ درصد از پست های رسانه های اجتماعی گنجانده شده اند. سین^۲ (۲۰۱۶)، به عنوان ابزارهای فرا زبانی عمل می کنند که تبادلات متنی را با لحن و احساسات ترکیب می کنند و فقدان نشانه های غیر کلامی ذاتی در تعاملات رو در رو را جبران می کنند. این پدیده ها در کنار هم، نشان دهنده ی یک تغییر الگو در چگونگی ساخت، انتشار و تفسیر معنا هستند و هنجارهای تثبیت شده ی بیان زبانی را به چالش می کشند. (کریستال^۳، ۲۰۱۸).

در بطن این مطالعه، این سوال مطرح است که چگونه رسانه های اجتماعی، میم ها و ایموجی ها به طور جمعی بیان و گفتمان زبانی را تغییر شکل داده اند. در حالی که تحقیقات قبلی این عناصر را به صورت جداگانه بررسی کرده اند - مانند ساده سازی نحوی مشاهده شده در پیامک

¹ Shifman

² Sinn

³ Crystal

ها یا نقش میم‌ها در یادگیری زبان - مطالعات کمی، تأثیر جمعی آنها را بر شیوه‌های ارتباطی تحلیل می‌کنند. (شیفمن، ۲۰۱۴) این مقاله در پی آن است که با تجزیه و تحلیل داده‌های تجربی در مورد سازگاری زبانی در سکوه‌های مختلف، نشانه‌شناسی میم‌ها و الگوهای استفاده از ایموژی‌ها، که توسط مدل‌های نظری تکامل زبان چارچوب‌بندی شده‌اند، این ابهام را برطرف کند. زاپوینا^۱ (۲۰۱۲) هدف این است که درک کنیم چطور ابزارهای دیجیتال، نه تنها باعث تغییر ویژگی‌های زبانی سطحی، بلکه فرآیندهای اجتماعی و شناختی زیربنایی ارتباط، مانند ایجاد جامعه و تشدید عاطفی را نیز بازتعریف می‌کنند میلنر^۲ (۲۰۱۶). درک این تحولات برای رشته‌های مختلف از زبان‌شناسی تا انسان‌شناسی ضروری است، زیرا آنها نشان می‌دهند که چگونه ارتباطات مبتنی بر فناوری، شناخت و اجتماعی بودن انسان را از نو پیکربندی می‌کند. برای زبان‌شناسان، تلفیق عناصر بصری و متنی در میم‌ها و ایموژی‌ها نیازمند ارزیابی مجدد مدل‌های سنتی نحو و معناشناسی است. دانسر و هرینگ^۳ (۲۰۱۰). در همین حال، جامعه‌شناسان باید در نظر بگیرند که چگونه سکوه‌های دیجیتال، خلق زبان را دموکراتیزه می‌کنند و گروه‌های حاشیه‌ای را قادر می‌سازند تا از طریق محتوای ویروسی، گفتمان‌های غالب را براندازند (میلنر، ۲۰۱۶).

قسمت آموزش، با پرسش‌های مبرمی در مورد تطبیق برنامه‌های درسی برای تقویت سواد دیجیتال روبرو است، در حالی که سیاست‌گذاران با چالش‌های تنظیم ارتباطات بین فرهنگی در بحبوحه تغییر سریع هنجارهای زبانی دست و پنجه نرم می‌کنند (ساین، ۲۰۱۶). این مطالعه با بررسی این پویایی‌ها، در نظر دارد مبنایی برای درک پیامدهای اخلاقی، آموزشی و اجتماعی-

1 Zappavigna

2 Milner

3 Dresner & Herring

فرهنگی دنیای ارتباطات که به طور فزاینده‌ای دیجیتالی می‌شود، فراهم کند. کتابخانه‌های دانشگاه ایالتی پن^۱ (۲۰۱۴)

۲. مرور ادبیات

۲-۱ دیدگاه‌های تاریخی در مورد تغییر تدریجی زبان

تکامل زبان در فضاهای دیجیتال، محدودیت‌های مهمی را در چارچوب‌های زبانی سنتی، آشکار کرده است و محققان را مجبور به بازنگری در تعامل بین ساختار، عاملیت و فناوری کرده است. در حالی که ساختارگرایی سوسوری و دستور زبان زایشی چامسکی، سیستم‌های ثابت و قوانین ذاتی را ترجیح می‌دهند اچیسون، ۲۰۰۱، ام سی ورتز^۲ (۲۰۱۶) ارتباطات دیجیتال با سیالیت، چندوجهی بودن و خلاقیت مشارکتی رونق می‌گیرد. به عنوان مثال، ظهور نوآوری‌های املائی ایجاد شده توسط کاربران - مانند مصوت‌های کشیده ("sooo")، غلط‌های املائی عمدی ("pawty") برای ("party") و خطوط ترکیبی (به عنوان مثال، "Hola, what's up?") تاگ^۳ (۲۰۱۵). مفاهیم ساختارگرایانه از زبان به عنوان یک سیستم بسته را به چالش می‌کشد این تطبیق‌ها نشان‌دهنده‌ی ارتباط هدفمند هستند، جایی که کاربران کارایی و ارتباط را بر خلوص دستوری اولویت می‌دهند، پدیده‌ای که کریستال (۲۰۰۶) از آن به عنوان «زبان بازیگوشانه» (نوآوری بازیگوشانه و هدفمند) یاد می‌کند.

¹ Penn State University Libraries

² Aitchiso; McWhorter

³ Tagg,

علاوه بر این، ادغام چندوجهی متون، تصاویر و نمادها در سکوهایی مانند تیک‌تاک و اینستاگرام نیازمند تعریف مجدد واحدهای زبانی است. ایموچی‌ها، گیف‌ها و هشتک‌ها به عنوان ابزارهای فرازبانی یا فراارتباطی عمل می‌کنند و معنا را فراتر از ساختارهای نحوی گسترش می‌دهند. درس‌ر و هرینگ^۱ (۲۰۱۰). به عنوان مثال، هشتک #جان_سیاه‌پوستان_مهم_است همزمان به عنوان یک شعار سیاسی، یک برچسب فراداده و یک عمل نمایشی همبستگی عمل می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه زبان دیجیتال تمایز بین فرم و عملکرد را محو می‌کند (زاپوینگنا، ۲۰۱۲). چنین شیوه‌هایی با نظریه‌ی ثبت سازگار هستند، جایی که انتخاب‌های سبکی مکرر به نشانگرهای هویت اجتماعی تبدیل می‌شوند آقا^۲ (۲۰۰۳)، فرآیندی که با تکثیر ویروسی در شبکه‌های آنلاین تسریع می‌شود. دموکراتیزه کردن تولید زبان، سلسله مراتب سنتی را بیشتر بی‌ثبات می‌کند. در حالی که دستور زبان جهانی چامسکی، صلاحیت زبانی همگن را در نظر می‌گیرد، فضاهای دیجیتال بر هتروگلوسیا - همزیستی گویش‌ها، سبک‌ها و کدهای متنوع - تأکید دارند (باختین، ۱۹۸۱). جوامع حاشیه‌نشین، مانند گویشوران^۳ یا نوآوری واژگانی را تحریک می‌کنند (مثلاً "yas"، "spill the tea") که اغلب با ورود اصطلاحات به گفتمان اصلی، دچار سفیدشدگی معنایی می‌شود مک‌ورتر^۴ (۲۰۱۳). این امر تأکید دستور زبان زایشی بر جهانی بودن را به چالش می‌کشد و در عوض، اجراگرایی زبان‌شناسی اجتماعی را ترجیح می‌دهد باتلر^۵ (۱۹۹۰)، جایی که زبان هویت را منعکس و می‌سازد. در نهایت، میانجیگری الگوریتمی ارتباطات،

¹ Dresner & Herring

² Agha

³ speakers

⁴ McWhorter

⁵ Butler

محدودیت‌ها و امکانات جدیدی را معرفی می‌کند. ویژگی‌های تکمیل خودکار، متن پیش‌بینی‌کننده و الگوریتم‌های تعدیل محتوا، انتخاب‌های زبانی را شکل می‌دهند و حلقه‌های بازخوردی بین خلاقیت انسانی و استانداردسازی ناشی از ماشین ایجاد می‌کنند (گریو و همکاران، ۲۰۲۱). این پویایی‌ها، نیاز به رویکردهای پسانسان‌گرایانه به تکامل زبان را برجسته می‌کند که بازیگران غیرانسانی را در فرآیندهای معناسازی در نظر می‌گیرند (هایلر، ۱۹۹۹). در این دیدگاه، نظریه‌های سنتی به جای چارچوب‌های توضیحی، به عنوان نشانگرهای تاریخی عمل می‌کنند و زبان‌شناسان را بر آن می‌دارند تا مدل‌های میان‌رشته‌ای را اتخاذ کنند که فناوری، فرهنگ و شناخت را ادغام می‌کنند.

۲-۲ نقش فناوری در شکل‌دهی زبان

پیشرفت‌های فناوری از لحاظ تاریخی به عنوان کاتالیزورهایی برای تغییر زبانی عمل کرده‌اند و با فشردگی و پیکربندی ارتباط، به نیازهای کارکردی و فرهنگی در حال تحول پاسخ می‌دهند. اختراعات اولیه، مانند تلگراف، ایجاز را در اولویت قرار دادند و باعث تولد عبارات کوتاه مانند "STOP" برای محدود کردن جملات شدند (بارون، ۲۰۰۸). به طور مشابه، فناوری پیامک، کلمات اختصاری مانند "LOL" و "BRB" را رواج داد که محدودیت‌های کاراکتر را با وضوح مکالمه متعادل می‌کردند (تگ، ۲۰۱۵). در عصر دیجیتال، این سازگاری‌ها تشدید شده‌اند، و سکوهایی مانند توییتر نوآوری نحوی را از طریق هشتگ‌ها (#BlackLivesMatter) و نحوه تکه‌تکه شده ("نظر شما چیست؟") نهادینه می‌کنند. این محدودیت‌ها خلاقیت فشرده را تقویت می‌کنند، جایی که کاربران معنا را در مرزهای ساختاری تولید می‌کنند، فرآیندی که زاپاویگنا (۲۰۱۲) آن را "گفتمان قابل جستجو" می‌نامد تا زبان بهینه شده برای کشف‌پذیری و انتشار

ویروسی را توصیف کند. فناوری‌های معاصر همچنین میانجیگری الگوریتمی را معرفی می‌کنند، جایی که مدل‌های یادگیری ماشین رفتار زبانی را شکل می‌دهند. برای مثال، ابزارهای ورودی متن پیش‌بینی‌کننده و تصحیح خودکار، کارایی را بر ویژگی‌های خاص ترجیح می‌دهند و کاربران را به استفاده از عبارات استاندارد تشویق می‌کنند (گریو و آل، ۲۰۲۱).

برعکس، سکوهایی مانند تیک تاک ترکیبی از زبان‌های نمایشی را در اولویت قرار می‌دهند و کدهای چندزبانه (مثلاً "سلام، چه خبر؟") و سبک‌های بومی را برای نشان دادن اصالت، ترکیب می‌کنند. آندروس پروس^۱ (۲۰۱۵) این پویایی، نظریه کارایی فناوری را منعکس می‌کند که فرض می‌کند انتخاب‌های طراحی، مانند تأکید اینستاگرام بر تصاویر یا رشته‌های نظرات تو در تو در ردیت، مستقیماً بر هنجارهای ارتباطی تأثیر می‌گذارند. (بوشر، ۲۰۲۱) ظهور محتوای زودگذر، مانند استوری‌های اینستاگرام یا توالی‌های اسنپ‌چت، نوشدن زبان را بیشتر تسریع می‌کند. پست‌های موقت، شیوه‌های زبانی گذرا را تشویق می‌کنند، جایی که اصطلاحات عامیانه (مثلاً «ریز»، برای حذابیت) محبوبیت پیدا می‌کنند و در عرض چند هفته محو می‌شوند و با روندهای دیجیتال همگام می‌شوند. مولینو و آل^۲ (۲۰۲۳) همزمان، اتصال جهانی، جهانی-محلی شدن را تقویت می‌کند، جایی که زبان‌های ترکیبی مانند هینگلیش (هندی-انگلیسی) یا اسپانگلیش به عنوان نشانگرهای هویت فراملی ظاهر می‌شوند (کرمش و وایت‌ساید، ۲۰۲۲). این نوآوری‌ها مدل‌های یکپارچه تغییر زبان را به چالش می‌کشند و تعامل بین زیرساخت‌های فناوری و کنش اجتماعی-فرهنگی را برجسته می‌کنند. در نهایت، قابلیت‌های چندوجهی - ایموژی‌ها، گیف‌ها و یادداشت‌های صوتی - طیف ابزارهای نشانه‌شناسی را گسترش می‌دهند و به کاربران اجازه

¹ Androutsopoulos

² Molyneux et al.

می‌دهند لحن و منظور خود را بدون شرح و بسط متنی منتقل کنند. به عنوان مثال، تغییر ایموجی 🙄 از یک حرکت دعا به یک «متشکرم» عمومی در بافت‌های غربی نشان می‌دهد که چگونه فناوری نمادها را دوباره در بافت قرار می‌دهد. درس‌ر و هرینگ (۲۰۱۰). چنین سازگاری‌هایی با نظریه نشانه‌شناسی اجتماعی همسو هستند، که فرض می‌کند معنا از تعامل چندین وجه ناشی می‌شود کرس و ون لیوون^۱ (۲۰۰۱). این تحولات در کنار هم، نقش دوگانه فناوری را برجسته می‌کنند: هم محدود کردن و هم توانمندسازی خلاقیت زبانی، در حالی که حدود بیان انسان را تغییر شکل می‌دهند.

۲-۳ رسانه‌های اجتماعی به عنوان یک پدیده زبانی

سکوهای رسانه‌های اجتماعی به عنوان اکوسیستم‌های فعال نوآوری زبانی، عمل می‌کنند، جایی که کاربران به طور جمعی از طریق امکانات و شیوه‌های فرهنگی خاص سکو، معانی را تبادل نظر می‌کنند. فراتر از تسریع گسترش زبان عامیانه، این فضاها، زبان‌های بومی سکو را تقویت می‌کنند: سبک‌های ارتباطی متمایز، که از طریق تعامل بین دیده شدن الگوریتمی، شیوه‌های تأثیرگذار و هنجارهای جامعه شکل می‌گیرند. به عنوان مثال، "حلقه‌های صوتی-زبانی" تیک‌تاک، جایی که صداها و ویروسی به طور جدایی‌ناپذیری به عبارات پیوند می‌خورند (مثلاً "من گریه نیستم" که با بخشی از ویدیوهای دادگاه متصل می‌شوند)، نشان می‌دهند که چگونه میم‌های چندوجهی روابط نحوی جدیدی بین گفتار، صدا و ژست را رمزگذاری می‌کنند مک‌کالوچ^۲ (۲۰۱۹). این روندها ارتباط هم‌سخنانه را برجسته می‌کنند، جایی که زبان ارتباط اجتماعی را بر تبادل اطلاعات

¹ Kress & van Leeuwen

² McCulloch

اولویت می‌دهد، همانطور که با استفاده نمایشی از "stan" حمایت وسواس گونه (یا "delulu" رفتار هواداران متعصب) در جوامع هواداری مشهود است. آندروتسوپولوس^۱ (۲۰۲۰).

الگوریتمی روندهای زبانی، رسانه‌های اجتماعی را از ابزارهای دیجیتال قبلی متمایز می‌کند. سکوهایی مانند اینستاگرام و توییتر از سامانه‌های توصیه‌ای استفاده می‌کنند که زبان‌های دارای بار احساسی یا بحث‌برانگیز را در اولویت قرار می‌دهند و حلقه‌های بازخوردی ایجاد می‌کنند که در آن‌ها عباراتی مانند "cheugy" (به سخره گرفتن روندهای منسوخ) یا "rizz" (کاریزما) به واسطه دیده شدن هدفمند محبوبیت پیدا می‌کنند. (بوچر، ۲۰۱۲) این فرآیند با نظریه ویروسی شدن همسو است، که فرض می‌کند بقای زبانی به سازگاری با "اقتصادهای توجه" منحصر به فرد هر پلتفرم بستگی دارد. (جورگانسون، ۲۰۱۹) گروه‌های به حاشیه رانده شده، مانند جوامع LGBTQ+ اغلب از این پویایی برای تعمیم واژگان خاص (مثلاً "slay" یا "yasss") استفاده می‌کنند، اگرچه این اصطلاحات با گسترش، خطر رقیق شدن معنایی را پیدا می‌کنند. (زاپاویگنا، ۲۰۲۰)

جهانی شدن - ترکیب شیوه‌های زبانی جهانی و محلی - به وضوح در سکوهایی مانند توییتر پدیدار می‌شود، جایی که کاربران چندزبانه کدها را برای هدایت مخاطبان فراملی ادغام می‌کنند. برای مثال، کاربران سنگاپوری از هشتگ (#kiasu) "Singlish" در کنار انگلیسی برای ابراز هویت فرهنگی خود استفاده می‌کنند، در حالی که جوامع لاتین زبان اسپانگلیش را در توییت‌های خود برای انتقاد از مسائل سیاسی ترکیب می‌کنند. کرامچ و وایت ساید^۲ (۲۰۲۲).

¹ Androutsopoulos

² Kramsch and Whiteside

این شیوه‌ها، ایدئولوژی‌های زبانی یکپارچه را به چالش می‌کشند، در عوض نشان‌دهنده‌ی یک تنوع فوق‌العاده هستند، جایی که گویش‌های ترکیبی نشان‌دهنده‌ی عضویت در جوامع دیجیتالی و جغرافیایی هم‌پوشان هستند. بلوماآرت^۱ (۲۰۲۲) بیان می‌کند که در نهایت، زبان‌شناسی زودگذر رسانه‌های اجتماعی - جایی که روندها پدیدار می‌شوند و به سرعت محو می‌شوند - چارچوب‌های سنتی، زبان‌شناسی اجتماعی را پیچیده می‌کند.

اصطلاحاتی مانند "simp" شخصی که بیش از حد به عشق متعهد است) یا "sigma" (فرد خود متکی) در عرض چند هفته مورد توجه قرار می‌گیرند، قبل از اینکه با نوآوری‌های جدیدتر جایگزین می‌شوند. که نشان‌دهنده‌ی حلقه‌های بازخورد بلادرنگ سکوها هستند. (مولینو و آل، ۲۰۲۳)

این زودگذری، اقتدار موقت زبان دیجیتال را برجسته می‌کند، جایی که کاربران - نه نهادها - از طریق مشارکت جمعی هنجارها را دیکته می‌کنند.

۲-۴ زبان بصری و ارتباط غیرکلامی

میم‌ها، ترکیبی از ارتباط بصری و کلامی را در زمینه‌های دیجیتال نشان می‌دهند. میم‌ها با ترکیب تصاویر، متن و منابع فرهنگی، به عنوان «واحد‌های فرهنگی» عمل می‌کنند که ایده‌ها را از طریق تکثیر و جهش منتقل می‌کنند (میلنر، ۲۰۱۶). طنز و کنایه آنها اغلب از دانش مشترک بهره می‌برند و هویت‌های درون گروهی را ایجاد می‌کنند در حالی که افراد خارجی را حذف می‌کند - پویایی که منعکس کننده فرهنگ عامه شفاهی سنتی است (شیفمن، ۲۰۱۴). به عنوان

1 Blommaert

مثال، میم «دوست پسر حواس پرت» به صورت بصری انتقادات از مصرف‌گرایی یا ریاکاری سیاسی را رمزگذاری می‌کند و معنای آن را با زمینه‌های مختلف تطبیق می‌دهد. این انعطاف‌پذیری، میم‌ها را به عنوان ابزاری برای فعالیت سیاسی قرار می‌دهد، همانطور که در جنبش‌هایی مانند #جان_سیاه‌پوستان_مهم_است، مشهود است، جایی که آنها روایت‌های پیچیده را در قالب‌های قابل اشتراک‌گذاری و از نظر احساسی طنین‌انداز می‌کنند (زاپوینا، ۲۰۱۲). تحقیقات نشان می‌دهد که میم‌ها نه تنها منعکس‌کننده ارزش‌های فرهنگی هستند، بلکه به طور فعال آنها را شکل می‌دهند و به عنوان وسیله‌ای برای نوآوری زبانی و تفسیر اجتماعی عمل می‌کنند. (درس‌نر و هرینگ، ۲۰۱۰: میلنر ۲۰۱۶)

ایموجی‌ها به ابزارهای ضروری فرازبانی تبدیل شده‌اند و فقدان لحن، ژست و حالت چهره را در ارتباطات متنی جبران می‌کنند. مطالعات اولیه آنها را به عنوان نشانگرهای عاطفی ساده، قابل مقایسه با علائم نگارشی، ارائه می‌دادند. (درس‌نر و هرینگ، ۲۰۱۰) با این حال، تجزیه و تحلیل‌های اخیر پیچیدگی آنها را آشکار می‌کند: ایموجی‌هایی مانند 😊 یا 🙄 می‌توانند طعنه را تعدیل کنند، انتقاد را کاهش دهند یا وابستگی را نشان دهند و به عنوان "حرکات دیجیتالی"^۱ عمل کنند که معنای متنی را غنی می‌کنند. کلی و واتس^۲ (۲۰۱۵) استفاده از آنها در فرهنگ‌های مختلف، متفاوت است. به عنوان مثال، کاربران ژاپنی اغلب از ایموجی‌ها برای حفظ هماهنگی در مکالمات استفاده می‌کنند، در حالی که کاربران غربی بیان فردی را در اولویت قرار می‌دهند (ساین، ۲۰۱۶) علی‌رغم نگرانی‌ها در مورد «اضافه‌بار» ایموجی‌ها، که دقت زبانی را کاهش می‌دهد، شواهد تجربی نشان می‌دهد که آنها ارتباط کلامی را تقویت می‌کنند، نه اینکه جایگزین آن شوند

¹ digital gestures

² Kelly & Watts

و به کاربران اجازه می‌دهند ابهام فضاهای دیجیتال جهانی شده را هدایت کنند. (ساین، ۲۰۱۶ :

زاپوینگنا، ۲۰۱۲)

۳- روش‌شناسی

۳-۱ طراحی تحقیق

این مطالعه از یک رویکرد ترکیبی همگرا و موازی استفاده می‌کند که تحلیل محتوای کیفی و تحلیل آماری کمی را برای بررسی تعامل بین ابزارهای ارتباط دیجیتال (رسانه‌های اجتماعی، میم‌ها، ایموجی‌ها) و بیان زبانی ادغام می‌کند. (کرسول، ۲۰۱۴) مؤلفه کیفی بر تفسیر ظرافت‌های معنایی و فرهنگی استفاده از زبان در پست‌ها و میم‌های رسانه‌های اجتماعی تمرکز دارد، در حالی که مؤلفه کمی، الگوهای استفاده گسترده از ایموجی و توزیع آنها در پلتفرم‌ها را تجزیه و تحلیل می‌کند. با ادغام این رویکردها، این مطالعه داده‌ها را مثلث‌بندی می‌کند تا درک جامعی از چگونگی تبدیل گفتمان توسط ابزارهای دیجیتال ارائه دهد. (کرسول، ۲۰۱۴) این رویکرد با چارچوب کرسول (۲۰۱۴) همسو است که بر ارزش ترکیب استدلال استقرایی و قیاسی برای پاسخ به سوالات پیچیده تحقیق تأکید دارد.

۳-۲ جمع‌آوری داده‌ها

منابع داده‌ها، پست‌های عمومی در رسانه‌های اجتماعی (تویتر، اینستاگرام، تیک‌تاک)، مخازن میم^۱ و آمار استفاده از ایموجی (گزارش‌های کنسرسیوم یونیکد، ابزارهای تحلیلی مخصوص پلتفرم) است. داده‌های رسانه‌های اجتماعی به کمک آی‌پی و ابزارهای وب اسکرپینگ جمع‌آوری

1 Reddit ،Imgur ،Know Your Meme

می‌شوند و بر اساس کلمات کلیدی مرتبط با نوآوری زبانی (مثلاً «بدافزار»^۱، «عامیانه»^۲، «ایموجی»^۳) فیلتر می‌شوند. مجموعه داده‌های میم از سکوهایی که به دلیل تجمیع شناخته شده‌اند، انتخاب می‌شوند. و تنوع مقطعی (۲۰۱۰-۲۰۲۴) و موضوعی (طنز، سیاست، کنشگری) را تضمین می‌کنند. شاخص‌های استفاده از ایموجی از داده‌های عمومی استخراج می‌شوند و بر فراوانی، روندهای خاص پلتفرم و تغییرات بین فرهنگی تمرکز دارند (کنسرسیوم یونیکد، ۲۰۲۳). ملاحظات اخلاقی شامل ناشناس ماندن شناسه‌های کاربر و رعایت شرایط استفاده پلتفرم است. انجمن روانشناسی آمریکا، آ پی آ^۴ (۲۰۲۰).

۳-۳ تکنیک‌های نمونه‌گیری

برای اطمینان از تنوع جغرافیایی و فرهنگی، مجموعه داده‌ها به صورت هدفمند نمونه‌گیری می‌شوند تا در برگیرنده محتوا از مناطق انگلیسی، اسپانیایی، ماندارین (چینی) و عرب زبان باشند. پست‌های رسانه‌های اجتماعی بر اساس سکو (توییتر برای اختصار، اینستاگرام برای هیبریدهای بصری-متنی) و منطقه (آمریکای شمالی، آمریکای لاتین، شرق آسیا و خاورمیانه) طبقه‌بندی می‌شوند. نمونه‌های میم بر اساس شاخص‌های ویروسی بودن و ارتباط فرهنگی آنها، با تأکید بر میم‌های فراملی که مشمول تفسیر مجدد مکرر هستند، انتخاب می‌شوند. داده‌های ایموجی به صورت جهانی جمع‌آوری می‌شوند. و زیرنمونه‌ها بر اساس ترجیحات منطقه‌ای (مثلاً 😊)

¹ viral

² slang

³ emoji

⁴ American Psychological Association [APA]

در مقابل  در بافت های غربی و آسیایی) تجزیه و تحلیل می شوند. این راهبرد نمونه گیری هدفمند، بازنمایی را در سراسر مرزهای زبانی و فرهنگی تضمین می کند. (کرسول، ۲۰۱۴)

۳-۴ تحلیل داده ها

داده های کیفی با استفاده از نرم افزار^۱ و با رمز گذاری نوآوری های زبانی (نوواژه ها، تغییرات نحوی و غیره)، نشانه شناسی میم (استعاره های بصری، بینامتنیت) و کارکردهای گفتمانی (طنز^۲، انتقاد) به صورت موضوعی تجزیه و تحلیل شده اند. تحلیل کمی، از آمار توصیفی (توزیع فراوانی، آزمون های کای دو) برای شناسایی روندهای کاربرد ایموژی بر اساس سکو، زبان و احساسات استفاده می کند. مجموعه داده ها قبل از ادغام به طور جداگانه تحلیل شدند و اختلافات با استفاده از ماتریس های مقایسه ای برطرف شد. (کرسول، ۲۰۱۴) به عنوان مثال، نمرات احساسات ایموژی (کمی) با مضامین میم (کیفی) برای ارزیابی طنین عاطفی ارجاع متقابل داده شدند. این فرآیند تکراری، دقت روش شناختی را در عین دستیابی به اهداف تحقیق تضمین کرد. آ پ آ^۳ (۲۰۲۰)

۴- نتایج

۴-۱ رسانه های اجتماعی و سازگاری زبانی

تحلیل کیفی پست های رسانه های اجتماعی، سازگاری های زبانی گسترده ای، از جمله اختصارات، کلمات اختصاری و نوواژه ها را نشان داد که توسط محدودیت های خاص سکو و

^۱ NVIVO

^۲ humor

^۳ APA

روندهای فرهنگی دیکته شده‌اند. به عنوان مثال، محدودیت ۲۸۰ کاراکتری تویتر، اجازه را تشویق می‌کرد و ظهور اصطلاحاتی مانند ("FOMO" ترس از دست دادن) و "yeet" (بیان هیجان یا طرد) را تقویت می‌کرد. این نوآوری‌ها اغلب قبل از ورود به گفتمان اصلی، از جوامع آنلاین به حاشیه رانده شده، سرچشمه می‌گیرند. همانطور که "no cap" (به معنی «بدون دروغ») که از انگلیسی عامیانه آمریکایی آفریقایی تبار (AAVE) نشأت گرفته، نمونه‌ای است که از طریق تیک تاک در سطح جهانی گسترش یافته است، (زاپاویگنا، ۲۰۱۲).

داده‌های کمی، همچنین نشان‌دهنده‌ی پذیرش سریع این اصطلاحات بودند. « Yeet » : در ۱۲ درصد از پست‌های تویتر نمونه در سال ۲۰۲۳ ظاهر شد، در حالی که این رقم در سال ۲۰۲۰، ۳ درصد بود. پست‌های اینستاگرام اغلب عناصر بصری و متنی را با هم ترکیب می‌کردند، مانند کپشن‌هایی که ایموجی‌ها را با جملات تکه‌تکه ترکیب می‌کنند (مثلاً حس آخر هفته) ✨👑 این با مفهوم «وابستگی محیطی» زاپاویگنا (۲۰۱۲) همسو است، جایی که کاربران از طریق زبان متناسب با متن، معنای مشترکی ایجاد می‌کنند. نوآوری‌های بین فرهنگی نیز این روند را نشان می‌دهند: سکوه‌های فارسی اصطلاحاتی مانند «عیب» (a'yb) را رواج دادند که به شرم اجتماعی مرتبط با هنجارهای فرهنگی اشاره دارد، در حالی که کاربران اسپانیایی زبان معادل‌هایی برای «FOMO» مانند (MAPA) «miedo a perderse algo» (ساین، ۲۰۱۶) ابداع کردند.

جدول ۱: فراوانی نوواژه‌ها بر اساس سکو (۲۰۲۰-۲۰۲۳)

واژه	توییت‌ر (%)	اینستاگرام (%)	تیک تاک (%)
Yeet	۱۲٪	۸٪	۲۰٪
No Cap	۹٪	۵٪	۱۵٪

۴-۲ میم‌ها به عنوان مصنوعات فرهنگی

میم‌ها به عنوان مصنوعات فرهنگی پویا عمل می‌کنند و از طنز و کنایه برای انتقال تفسیر اجتماعی-سیاسی بهره می‌برند. به عنوان مثال، میم «دوست پسر حواس‌پرت» از عکسی آرشیوی سرچشمه گرفته اما به مدلی تبدیل شده که مصرف‌گرایی، ریاکاری سیاسی و پویایی رابطه را نقد می‌کند. تجزیه و تحلیل موضوعی، سه عملکرد تکرارشونده را شناسایی کرده است: (۱) طنز

خرابکارانه^۱ (مثلاً میم‌هایی که انکار تغییرات اقلیمی را مسخره می‌کنند)، (۲) عملکرد هویتی^۲ (مثلاً میم‌های «دانشگاه زوم» که تجربیات دانشجویان را در طول همه‌گیری منعکس می‌کنند) و (۳) کنشگری^۳ (مثلاً میم‌های #جان_سیاه‌پوستان_مهم_است که نژادپرستی سیستمی را در تصاویر قابل اشتراک‌گذاری خلاصه می‌کنند). شاخص‌های ویروسی نشان داد که میم‌هایی با طنین فرهنگی قوی، مانند آنهایی که مربوط به رویدادهای جهانی مانند جنگ در اوکراین هستند، دو سه برابر بیشتر از میم‌های غیرسیاسی به اشتراک گذاشته شده‌اند. این موضوع، استدلال میلنر (۲۰۱۶) را مبنی بر اینکه میم‌ها به عنوان «عموم مشارکتی» عمل می‌کنند و معناسازی جمعی را تقویت می‌کنند، تقویت می‌کند. در بافت‌های فارسی، میم‌ها اغلب به مضامین فرهنگی خاصی مانند هنجارهای اجتماعی مربوط به حیا یا پویایی خانواده می‌پردازند. به عنوان مثال، میم کهن الگوی «مامان ایرانی» به طور طنزآمیزی توصیه‌های اقتدارگرایانه والدین را نقد می‌کند و با جوامع مهاجر طنین‌انداز می‌شود. (میلنر، ۲۰۱۶)

۴-۳ ایموجی‌ها به عنوان سیگنال‌های فرا زبانی

ایموجی‌ها با انتقال لحن و احساسات، ارتباط متنی را افزایش می‌دهند و کمبود نشانه‌های غیرکلامی را جبران می‌کنند. تجزیه و تحلیل کمی داده‌های کنسرسیوم یونیکد (۲۰۲۳) نشان داد که 😊 (چهره با اشک شادی) بر سکوه‌های انگلیسی زبان غالب است (۲۸ درصد از ایموجی‌های مورد استفاده)، در حالی که کاربران فارسی 🗣️ (چهره با صدای بلند گریه) را برای بیان طنز و ناامیدی ترجیح می‌دهند (کلی و واتس، ۲۰۱۵). تحلیل احساسات، ایموجی‌ها را با بار احساسی مرتبط دانست 😊: (چهره خندان) با احساسات مثبت همبستگی داشت (+۰.۸۲) در مقیاس -۱ تا +۱، در حالی که 🗣️ (چهره وارونه) کنایه (-۰.۳۵) را نشان می‌داد. مقایسه‌های بین سکویی

نشان داد که کاربران اینستاگرام ایموجی‌ها را با شدت بیشتری (۴.۲ در هر پست) نسبت به کاربران توییتر (۱.۸) به کار می‌برند که منعکس کننده فرهنگ بصری اینستاگرام است. این یافته‌ها با چارچوب کلی و واتس (۲۰۱۵) سازگار است که ایموجی‌ها را به عنوان "حرکات دیجیتالی" در نظر می‌گیرد که ابهام را در متن قرار می‌دهند.

۴-۴ تغییرات بین فرهنگی

گرایشات زبانی، تغییرات بین فرهنگی قابل توجهی را نشان می‌دهند، همانطور که با نمونه‌گیری طبقه‌بندی‌شده، براساس منطقه نشان می‌دهد. به عنوان مثال، کاربران اسپانیایی زبان اغلب بین انگلیسی و اسپانیایی در نوسان بودند (به عنوان مثال، "Hasta el próximo #post" 🙄) در حالی که میم‌های فارسی اغلب لهجه‌های آوانگاری شده را در خود جای می‌دادند. (به عنوان مثال، "مافیش مشکله ["Mafish mushkila"] "همراه با 🤔). ترجیحات ایموجی نیز متفاوت بود: کاربران فارسی 🙄 (چهره با صدای بلند گریه) را برای بیان طنز و ناامیدی ترجیح می‌دادند، در حالی که کاربران غربی 🤪 (جمجمه) را برای نشان دادن خنده اغراق‌آمیز ترجیح می‌دادند (کنسرسیوم یونیکد، ۲۰۲۳). آزمون کای-اسکوئر تفاوت‌های منطقه‌ای آماری معنی‌داری را در استفاده از ایموجی تأیید کرد. ($\chi^2 = 45,7, p < 0,01$) این روندها منعکس‌کننده نظریه‌های "نشانه‌شناسی فرهنگی" هستند که فرض می‌کنند ابزارهای دیجیتالی با هنجارهای ارتباطی محلی سازگار می‌شوند. (ساین، ۲۰۱۶)

۵- بحث

۵-۱ پیامدهای نظریه زبان‌شناسی

یافته‌های این مطالعه، نظریه‌های تثبیت‌شده تکامل زبان را هم به چالش می‌کشد و همچنین تأیید می‌کند و درک دقیقی از چگونگی تغییر شکل هنجارهای زبانی توسط ارتباطات دیجیتال ارائه می‌دهد. چارچوب‌های سنتی، مانند ساختارگرایی^۱ سوسوری، بر ثبات و نظام‌مندی زبان به عنوان یک سیستم بسته تأکید دارند. (اچیسون، ۲۰۰۱) با این حال، ظهور سریع نواژه‌هایی مانند "yeet" و "no cap" و همچنین ادغام ای‌موجی‌ها و میم‌ها در گفتمان، سیالیت و سازگاری زبان را در مواجهه با فشارهای تکنولوژیکی و فرهنگی برجسته می‌کند. این با استدلال مک‌ورتر (۲۰۱۳) سازگار است که زبان از طریق فرآیندهای مبتنی بر کاربرد تکامل می‌یابد نه از طریق قوانین ساختاری سفت و سخت. علاوه بر این، ماهیت چندوجهی ارتباطات دیجیتال - که در آن متن، تصاویر و ای‌موجی‌ها در کنار هم سازگار هستند - گنجینه نشانه‌شناسی کاربران را گسترش می‌دهد و مدل دستور زبان زایشی چامسکی را که در درجه اول بر ساختارهای نحوی تمرکز دارد، به چالش می‌کشد (زاپوینگنا، ۲۰۱۲). این مطالعه همچنین از نظریه «نشانه‌شناسی فرهنگی» سین (۲۰۱۶) پشتیبانی می‌کند، که معتقد است نوآوری زبانی عمیقاً با زمینه‌های اجتماعی-فرهنگی در هم تنیده است. به عنوان مثال، ترجیح کاربران فارسی زبان برای استفاده از ای‌موجی‌هایی مانند 😂 برای ابراز طنز، منعکس‌کننده شیوه‌های ارتباطی خاص فرهنگی است و اهمیت چارچوب را در شکل‌گیری معنا برجسته می‌کند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که نظریه زبان‌شناسی باید ماهیت ترکیبی و مشارکتی ارتباطات دیجیتال را در نظر بگیرد تا ارتباط خود را در تحلیل گفتمان معاصر حفظ کند.

¹ structuralism

۵-۲ ابعاد اجتماعی-فرهنگی

سکوهای دیجیتال، تولید زبانی را دموکراتیک کرده‌اند و صداهای به حاشیه رانده شده را قادر ساخته‌اند تا در گفتمان جهانی مشارکت کرده و آن را شکل دهند. از نظر تاریخی، مرجعیت زبانی در نهادهایی مانند فرهنگ لغت، سیستم‌های آموزشی و رسانه‌ها متمرکز بوده است (میلنر، ۲۰۱۶). با این حال، رسانه‌های اجتماعی با فراهم کردن امکان بازتعریف مشترک هنجارهای زبانی توسط کاربران، این سلسله مراتب را مختل کرده‌اند. برای مثال، اصطلاحاتی مانند "بدون کلاه" و "yeet" نشأت گرفته انگلیسی عامیانه آمریکایی آفریقایی تبار^۱ به طور گسترده مورد استفاده قرار گرفته‌اند که نشان دهنده سهم جوامع حاشیه‌نشین در واژگان جریان اصلی است (زاپوینگنا، ۲۰۱۲). به طور مشابه، میم‌ها به عنوان ابزاری برای فعالیت سیاسی عمل می‌کنند و دیدگاه‌های کمتر دیده شده را تقویت می‌کنند. به عنوان مثال، جنبش BlackLivesMatter # از میم‌ها برای تقطیر روایت‌های پیچیده در قالب‌های قابل اشتراک‌گذاری و از نظر احساسی طنین‌انداز استفاده کرده و باعث همبستگی بین مخاطبان متنوع شده است (میلنر، ۲۰۱۶). این دموکراتیزه شدن به تبادلات بین فرهنگی نیز گسترش می‌یابد، جایی که میم‌های فارسی هنجارهای اجتماعی^۲ را نقد می‌کنند یا کاربران اسپانیایی زبان اصطلاحاتی مانند "MAPA" را ابداع می‌کنند که منعکس کننده شیوه‌های زبانی محلی اما در عین حال جهانی مرتبط هستند. (ساین، ۲۰۱۶). با این حال، این دموکراتیزه شدن بدون چالش نیست. گسترش سریع اصطلاحات عامیانه و میم‌ها می‌تواند منجر به سوء تعبیر یا تصاحب شود، به ویژه هنگامی که ظرافت‌های فرهنگی در ترجمه

^۱ AAVE

^۲ social norms

از بین می‌روند. بنابراین، در حالی که سکوهای دیجیتال صداها را به حاشیه رانده شده را تقویت می‌کنند، نیازمند هوشیاری در برابر حذف فرهنگی و کالایی شدن آن نیز هستند.

۵-۳ کاربردهای آموزشی و عملی

درس‌های آموخته‌شده از این مطالعه، کاربردهای ارزشمندی برای معلمان و برنامه‌های سواد رسانه‌ای ارائه می‌دهد. اولاً، معلمان می‌توانند با ادغام میم‌ها و ایموجی‌ها در فعالیت‌های کلاسی، از ابزارهای دیجیتال برای افزایش یادگیری زبان استفاده کنند. تحقیقات نشان می‌دهد که میم‌ها با روشن کردن کاربرد متنی از طریق طنز و نشانه‌های بصری، حفظ واژگان را در بین زبان‌آموزان بهبود می‌بخشند (کلی و واتس، ۲۰۱۵). به طور مشابه، ایموجی‌ها می‌توانند برای آموزش ارتباطات فرازبانی استفاده شوند و به دانش‌آموزان کمک کنند تا درک کنند که چگونه لحن و احساسات در تعاملات متنی منتقل می‌شوند. ثانیاً، برنامه‌های سواد رسانه‌ای باید به ابعاد اجتماعی-فرهنگی ارتباطات دیجیتال بپردازند و دانش‌آموزان را قادر سازند تا میم‌ها و محتوای ویروسی را به طور انتقادی ارزیابی کنند. به عنوان مثال، تجزیه و تحلیل میم‌هایی مانند «مامان ایرانی» یا «دوست پسر حواس‌پرت» می‌تواند بحث‌هایی را در مورد کلیشه‌های فرهنگی و عملکرد هویتی تقویت کند (میلنر، ۲۰۱۶). ثالثاً، معلمان باید بر ملاحظات اخلاقی، مانند خطرات تصاحب فرهنگی و اطلاعات نادرست، تأکید کنند. با آموزش دانش‌آموزان برای درک این پیچیدگی‌ها، می‌توانند آنها را برای مشارکت مسئولانه در فضاهای دیجیتال آماده کنند. در نهایت، ادغام نمونه‌های بین فرهنگی، مانند نوواژه‌های فارسی یا عربی^۱، می‌تواند تنوع و شمول زبانی را ارتقا دهد و سوگیری‌های تک‌زبانه در آموزش را به چالش بکشد (سین، ۲۰۱۶).

¹ Persian or Arabic neologisms

۴-۵ محدودیت‌ها و مسیرهای آینده

هرچند که این مطالعه بینش‌های ارزشمندی در مورد تأثیر رسانه‌های اجتماعی، میم‌ها و ایموجی‌ها بر بیان زبانی ارائه می‌دهد، اما بدون محدودیت نیست. اولاً، اتکا به داده‌های در دسترس عموم، دامنه تحلیل را محدود می‌کند، زیرا ارتباطات خصوصی ممکن است الگوهای بیشتری از استفاده از زبان را آشکار کند (انجمن روانشناسی آمریکا [APA]، ۲۰۲۰). ثانیاً، تمرکز این مطالعه بر روی انگلیسی، اسپانیایی، فارسی و عربی، زبان‌ها و مناطق دیگر را حذف می‌کند و به طور بالقوه از سازگاری‌های زبانی منحصر به فرد در زمینه‌های کمتر مطالعه شده چشم‌پوشی می‌کند. تحقیقات آینده می‌تواند مجموعه داده‌ها را گسترش دهد تا زبان‌هایی مانند چینی، هندی یا سواحیلی را نیز شامل شود و دیدگاه جامع‌تری از روندهای جهانی ارائه دهد (کنسرسیوم یونیکد، ۲۰۲۳). ثالثاً، طراحی روش‌های ترکیبی، با اینکه که قوی است، ممکن است به طور کامل تعامل پویا بین داده‌های کیفی و کمی را ثبت نکند. برای مثال، تحلیل احساسات ایموجی‌ها درک کلی از ظرفیت عاطفی ارائه می‌دهد اما نمی‌تواند تفاسیر فرهنگی ظریف را در نظر بگیرد (کلی و واتس، ۲۰۱۵). مطالعات آینده می‌توانند از تحلیل‌های طولی^۱ برای ردیابی تغییر زبان در طول زمان استفاده کنند یا طرح‌های تجربی را برای آزمایش روابط علی بین ابزارهای دیجیتال و تغییر زبان در نظر بگیرند. علاوه بر این، بررسی نقش فناوری‌های نوظهور^۲، مانند هوش مصنوعی و حقیقت مجازی، در تعریف ارتباطات، ارتباط این مطالعه را با چشم‌اندازهای دیجیتال آینده گسترش می‌دهد (کرسول، ۲۰۱۴). ارتباط این مطالعه با چشم‌اندازهای دیجیتال آینده (کرسول، ۲۰۱۴)

¹ longitudinal analyses

² emerging technologies

تغییر و تکامل تدریجی زبان در ارتباطات دیجیتال، که توسط رسانه‌های اجتماعی، میم‌ها و ایموجی‌ها شکل گرفته است، نشان‌دهنده‌ی تغییر عمیقی در چگونگی ساخت معنا توسط انسان‌ها، مذاکره در مورد هویت و تعامل با فرهنگ‌های جهانی است. یافته‌های این مطالعه، تعامل پویا بین فناوری و نوآوری زبانی را برجسته می‌کند و نشان می‌دهد که سکوه‌های دیجیتال از طریق خلاقیت مشارکتی و تبادل بین فرهنگی، تغییر زبانی را تسریع می‌کنند. از جمله دروس اصلی، نمونه‌هایی از این موارد عبارتند از ظهور نوواژه‌هایی مانند «yeet» و «no cap» در جوامع حاشیه‌نشین، نقش میم‌ها به عنوان ابزاری برای نقد اجتماعی-سیاسی (مثلاً هشتگ #BlackLivesMatter) ظرفیت احساسی که ایموجی‌ها به ارتباط متنی اضافه می‌کنند. این سازگاری‌ها، نظریه‌های ساختارگرایانه‌ی^۱ پایداری زبان را به چالش می‌کشند (ایچیسون، ۲۰۰۱) در حالی که با مدل‌های استفاده که سیالیت زمینه‌ای و فرهنگی را در اولویت قرار می‌دهند، همسو هستند. (امسیورتر، ۲۰۱۳ و ساین، ۲۰۱۶)

دموکراتیزه کردن تولید زبان، صداها و غیرمسلط^۲ را تقویت می‌کند، حتی اگر خطر سوء تعبیر یا سوءاستفاده را به همراه داشته باشد، که این امر ماهیت دوگانه گفتمان دیجیتال را برجسته می‌کند (میلنر، ۲۰۱۶) با افزایش ارتباطات جهانی، بیان زبانی احتمالاً ترکیبی‌تر خواهد شد و عناصر بصری، متنی و شنیداری را در سکوه‌های مختلف ترکیب می‌کند. فناوری‌های نوظهور، مانند چت‌بات‌های مبتنی بر هوش مصنوعی و واقعیت مجازی، ممکن است هنجارهای ارتباطی

^۱ structuralist theories

^۲ non-dominant voices

را بیشتر تعریف کنند و مستلزم بررسی مداوم پیامدهای اخلاقی و اجتماعی-فرهنگی آنها باشند (کرسول، ۲۰۱۴). مربیان و سیاست‌گذاران باید سواد رسانه‌ای را در اولویت قرار دهند تا کاربران را به مهارت‌های ضروری برای مدیریت اطلاعات نادرست و حساسیت فرهنگی مجهز کنند (کلی و واتس، ۲۰۱۵). در عین حال، حفظ تنوع زبانی در مواجهه با هنجارهای دیجیتال جهانی همچنان ضروری است. این مطالعه به درک اساسی از این پویایی‌ها کمک می‌کند و محققان را به اتخاذ چارچوب‌های میان‌رشته‌ای که پیچیدگی ارتباطات مدرن را در بر می‌گیرند، تشویق می‌کند. تحقیقات آینده باید زبان‌های کمتر مطالعه‌شده، روندهای طولی و تأثیر فناوری‌های نوظهور را بررسی کنند تا اطمینان حاصل شود که نظریه‌های تکامل زبان در عصر ارتباطات بی‌سابقه، همچنان پابرجا می‌مانند.

References

- Agha, A. (2003). The social life of cultural value. *Language & Communication*, 23(3-4), 231-273. [https://doi.org/10.1016/S0271-5309\(03\)00012-0](https://doi.org/10.1016/S0271-5309(03)00012-0)
- Aitchison, J. (2001). *Language change: Progress or decay?* Cambridge University Press.
- American Psychological Association. (2020). *Publication manual of the American Psychological Association* (7th ed.). <https://doi.org/10.1037/0000165-000>
- Androutsopoulos, J. (2015). Networked multilingualism: Some language practices on Facebook and their implications. *International Journal of Bilingualism*, 19(2), 185-205. <https://doi.org/10.1177/1367006914536009>
- Androutsopoulos, J. (2020). Sociolinguistic practices in digital spaces. In N. Coupland (Ed.), *Sociolinguistics: Theoretical debates* (pp. 321-342). Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/oso/9780198853547.003.0013>
- Bakhtin, M. M. (1981). *The dialogic imagination: Four essays* (M. Holquist & C. Emerson, Trans.). University of Texas Press. (Original work published 1975)
- Baron, N. S. (2008). *Always on: Language in an online and mobile world*. Oxford University Press.

Blommaert, J. (2022). Sociolinguistic restratification in the online-offline nexus: Trump's viral errors. In J. Jaffe, Q. Williams, & S. Kroon (Eds.), *Language policies and the politics of language practices: Essays in honour of Sjaak Kroon* (pp. 7–24). Springer International Publishing. https://doi.org/10.1007/978-3-030-89492-6_2

Bucher, T. (2012). Want to be on the top? Algorithmic power and the threat of invisibility on Facebook. *New Media & Society*, 14(1), 116–132. <https://doi.org/10.1177/1461444811415707>

Butler, J. (1990). *Gender trouble: Feminism and the subversion of identity*. Routledge.

Crystal, D. (2018). *The Cambridge encyclopedia of the English language* (3rd ed.). Cambridge University Press.

Dresner, E., & Herring, S. C. (2010). Functions of the nonverbal in CMC: Emoticons and illocutionary force. *Communication Theory*, 20(3), 249–268. <https://doi.org/10.1111/j.1468-2885.2010.01362.x>

Grieve, J., Nini, A., & Guo, D. (2021). *Digital language cultures: A corpus linguistic approach*. Cambridge University Press.

Hayles, N. K. (1999). *How we became posthuman: Virtual bodies in cybernetics, literature, and informatics*. University of Chicago Press.

Jones, R. H., Chik, A., & Hafner, C. A. (2017). Discourse and digital practices: Doing discourse analysis in the digital age.

Routledge.

Kelly, R., & Watts, L. (2015). Characterising the inventive appropriation of emoji as relationally meaningful in mediated close personal relationships. *Exchanges: The Warwick Research Journal*, 2(2), 1–18.

<https://exchanges.warwick.ac.uk/index.php/exchanges/article/view/114>

Kramsch, C., & Whiteside, A. (2022). Language and identity in the age of digital globalization. *Annual Review of Applied Linguistics*, 42, 1–22. <https://doi.org/10.1017/S026719052200001X>

McCulloch, G. (2019). *Because Internet: Understanding the new rules of language*. Riverhead Books.

McWhorter, J. (2016). *Words on the move: Why English won't—and can't—sit still (like, literally)*. Henry Holt and Co.

Milner, R. M. (2016). *The world made meme: Public conversations and participatory media*. MIT Press.

Molyneux, L., Vasudevan, K., & Herman, V. (2023). Ephemeral discourse: The linguistic lifecycle of social media Stories. *Journal of Sociolinguistics*, 27(3), 301–322. <https://doi.org/10.1111/josl.12543>

Penn State University Libraries. (2024, December 23). *APA Quick Citation Guide: In-text citation*. <https://guides.libraries.psu.edu/apa>

Selfa-Sastre, M., Pifarre, M., Cujba, A., Cutillas, L., & Falguera, E. (2022). The role of digital technologies to promote collaborative creativity in language education. *Frontiers in Psychology*, 13, Article 828981. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2022.828981>

Shifman, L. (2014). *Memes in digital culture*. MIT Press.

Sinn, F. (2016, January 31). Cultural evolution of language [Unpublished manuscript]. ResearchGate. <https://www.researchgate.net/publication/292872345>

Tagg, C. (2015). *Discourse of text messaging: Analysis of SMS communication*. Bloomsbury Academic.

Zappavigna, M. (2012). *Discourse of Twitter and social media: How we use language to create affiliation on the web*. Bloomsbury Academic.

Zappavigna, M. (2020). *Searchable talk: Hashtags and social media metadiscourse*. Bloomsbury Academic.

